

همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم

رویکردهای نوین در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت

بررسی تأثیر آموزش تفکر تدبیری، انتقادی با کمک قرآن کریم بر خودکارآمدی

فریبا نصیری مجد* : کارشناس ارشد، گروه روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
اسماعیل عاکفی: استادیار، گروه معارف، دانشگاه وزارت دفاع واحد تهران

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش تفکر انتقادی، تدبیری در قرآن کریم بر میزان تغییر خودکارآمدی افراد بوده که از لحاظ هدف در طبقه کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها در قالب تحقیقات آزمایشی قرار می‌گیرد. که طرح پژوهش از نوع آزمایشی با گروه کنترل بود. جامعه آماری در این طرح ۵۰ نفر از آقایان شرکت کننده در دوره آموزشی تفکر انتقادی، تدبیری بر قرآن کریم که در شرکت ایران خوددور سال ۱۳۹۴ مشغول به فعالیت بودند صورت گرفت. به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند و قبل از شروع دوره‌ی آموزشی پیش‌آزمون با کمک پرسشنامه خودکارآمدی شرا اجرا شد. گروه آزمایش تحت پروتکل آموزش تفکر انتقادی، تدبیری قرار گرفتند طی ۱۵ جلسه، هفته‌ای یک جلسه یک ساعت تحت آموزش قرار گرفتند. بر روی گروه کنترل هیچ تغییری اعمال نشد و آنها منتظر آموزش ماندند. پس از اجرای مداخلات آموزشی از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. از t نمونه و جفت و تحلیل کواریانس برای تحلیل استفاده شد. یافته‌های تحقیق بیانگر این مطلب است که پیش فرض همگونی شبیه و همگنی واریانس تأیید می‌گردد و معنا داری F کواریانس در سطح $p < 0.05$ نشان می‌دهد که آموزش تفکر تدبیری انتقادی تأثیر گذار بوده است. بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد آموزش تفکر انتقادی تدبیری بر قرآن کریم، بر خودکارآمدی این گروه موثر بوده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تفکر انتقادی، تدبیر، خودکارآمدی، آموزش

Abstract

This study examined the effectiveness of teaching critical thinking, self-reflection on QranKrym on the levels of people on the floor was the purpose of the pilot study were applied, and the RvshGrdavry data in the form of lie. Plan an experimental study with a control group. The population of this plan, 50 of the men participating in the training, critical thinking, reflection on the Holy Quran were working in the company's 1394 cars were made. Were divided randomly into two groups before the start of training DvrhY Pysh test was conducted with the help of self-efficacy questionnaire Scherer. MvzshTfkrantqady protocol experimental group, were pondering over 15 sessions, HfhthAy a training session was one hour. The control group did not exercise on a variable and they were waiting for the train. After the educational intervention, both groups were PsZmVn. And paired sample t-test and analysis of covariance was used for analysis. Results: The results indicated that the default gradients assimilation and homogeneity of variances in throughout and significantly F covariance confirmed at the level of $p < 0.05$ indicated MyDhdkh TasyrGzar education is critical Tfkrtdbry. Conclusion: The results showed that teaching critical thinking ponder on the Qur'an, the efficacy of this group has been effective

Keywords: the Quran, critical thinking, reflection , self-trainn

مقدمه

اگرچه مغز از عضلاتی تشکیل نشده که بر اثر استفاده نکردن دچار آتروفی (تحلیل) شود. با این حال اگر شما فرصت تفکر، حل مسئله، تفکر خلاقانه، تجربه‌های با لذت با کفایت بودن را ازدست دهید، از لحاظ روانی، درآینده به بیماری‌های ذهنی مانند مانس، آلزایمر و... دچار خواهید شد. برای رهایی از این بیماری‌ها پزشکان فعالیت‌های چون مطالعه کردن جدول حل کردن، حفظ کردن شعر، تمرین ریاضی، شطرنج وحی فعالیت ورزشی را تجویز می‌کنند که هر کدام به نوبه خود تحریک کننده نورون‌های مغزی و فعال نگه دارنده مغز می‌باشند، تجویز می‌کنند، ولی تعداد کمی از این روش‌ها بر زندگی روزمره نیز تأثیر دارند. مثلاً وقتی فردی شطرنج بازی، می‌کند ناخودآگاه با دقت‌تر می‌شود چون در این ورزش فرد به حرکت فرد مقابل فکر کرده و برای آن برنامه‌ریزی می‌کند ولی آیا برنامه‌ریزی کردن در حین بازی این قابلیت را دارد که فرد در همه امور زندگی با برنامه‌تر شود؟

آدمی موجودی آموزش‌پذیر است. هم چیزهای خوب را یاد می‌گیرد هم چیزهای بد را، بنابراین در تحلیل آسیب‌های روانی اجتماعی باید به این نکته توجه کرد که افراد آسیب دیده چه چیزهایی را یاد گرفته و چگونه آنها را تحلیل و درک کرده‌اند؟ از آموزش چه چیزهای محروم و از تحلیل و درک آن غافل مانده‌اند. واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که شرایط و موقعیت‌های متعددی وجود دارد که بر ذهن، شخصیت و رفتار مردم تأثیر می‌گذارد. بدون شک یکی از عوامل مهم در این میان تعلیم و تربیت است. تعلیم و تربیت در این معنا نوعی شاخص و ملاک و یا به تعبیری استاندارد برای پرورش انسانیت در درون جسم بیولوژیکی انسان است. بطور مسلم، برای پرورش انسان به نحوی که از آسیب‌های روانی اجتماعی به دور باشد، می‌باید افراد را تحت تعلیم و تربیت مناسب قرار داد و محتوای آموزشی و تربیتی مناسب افراد یک جامعه را از دل علوم و دانش زمانه‌ای که با فرهنگ، آگاهی و منطق عجین است بیرون کشید. تحلیل بسیاری از مصادیق آسیب‌های روانی اجتماعی نشان می‌دهد که ما با نوعی نا آگاهی و کم مهارتی فردی و اجتماعی روبرو هستیم (کوموز، ۱۳۷۳). با توجه به این مطلب، آموزش انواع تفکر و تدبیر به نظر الزامی می‌رسد تا آنجا که تحقیقات گسترده‌ای در سراسر دنیا پیرامون آن صورت گرفته که نتایج مشابه‌ای داشته است، به این مفهوم که دادن آموزش‌های تفکری برای افراد، نقطه پرش و آغازگر برای زندگی بهینه می‌باشد.

منظور از تفکر، یک مفهوم یا یک نام نیست بلکه فرآیندی است که غیر مستقیم و تنها از طریق اعمال و تولیدات ما قابل مشاهده است. یعنی وقتی حرکت یا رفتاری را از خود نشان می‌دهیم، بیانگر این است که این رفتار، از افکار تعدمی ما سرچشمه گرفته است. به نظر می‌رسد تفکر، ترکیبی از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها است. البته در این مجموع دانش از زیر بناهای مهم تفکر است. (گواسومی ۱۹۹۱، و رایت، ۱۹۹۶) به دلیل اینکه رشد و پیچیدگی تفکر باعث توسعه فکری می‌شود، این مسئله نیز باعث جهش شناختی می‌گردد. احتمال دستیابی به نتایج دلخواه و مطلوب را آسان‌تر می‌گرداند.

تدبیر به معنای اندیشیدن در عاقبت کارها، عواقب امور و نتایج عملگردهاست و نتیجه‌اش کشف حقایق است. به عبارت دیگر، تدبیر به معنای اندیشه عمیق، پایا و مستمر در ورای ظاهر گفتارها، نوشته و اعمال انسان و برای روشن شدن چهره واقعی و ظاهر شدن باطن امور است (کوهی، ۱۳۹۱).

بحث

با توجه به اینکه امروزه، بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی توانایی‌های لازم و اساسی را ندارند و در مواجهه با مشکلات روزمره و مقتضیات آن آسیب‌پذیرند، جایگاه و ضرورت آموزش مهارت‌های فکری به افراد برای مواجه شدن با مسائل دنیای امروز و جایگزین کردن روش‌ها و نگرش‌های علمی پژوهش‌محور، به جای انتقال، ذخیره‌سازی حقایق علمی، مورد بحث قرار دارد. آسیب‌های نسل جوان بیشتر در زمینه‌هایی است که متشکل از ضعف تفکر، زودباوری، پیروی از تبلیغات، ضعف تحلیل و قضاوت نادرست دربارهٔ نظرات و آرا دیگران می‌باشد.

افراد به دلیل بی‌دقتی و سطحی‌نگری در جوامع بشری همیشه با مشکلات و مسائل متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند که حل نشدن این مسائل باعث پایین آمدن اعتماد بنفس و بالارفتن صدمات روحی و روانی و حتی جسمانی می‌شود. آموزش‌های مختلفی برای بالا بردن سطح دقت و توجه، وجود دارد. اگر افراد قابلیت تفکر مستدل و دیدن همه ابعاد مسئله و گاهی پیش‌بینی را پیدا کنند به احتمال قوی کمتر دچار تنش، آسیب روانی اجتماعی، اقتصادی و حتی در روابط بین فردی می‌شوند.

اهداف اصلی پژوهش

پیشنهاد و معرفی یک شیوه کارآمد در جهت افزایش سطح دقت و خودکارآمدی در افراد جامعه

اهداف فرعی پژوهش

-دقیق نمودن افراد نسبت به همه جوانب زندگی، بخصوص مسائلی که با آن درگیر هستند.

- کمک و ایجاد حس تشخیص در افراد برای اینکه آنان بتوانند منابع معتبر را از غیر معتبر بشناسند و واقف شوند که دیگران در هر جایگاه علمی، اجتماعی درست نمی‌گویند. یعنی ملاک تشخیص عقل، منطق و استدلال است.

دادن ابزار مناسب به افراد تا افکار و باور خود و دیگران را به چالش بکشند.

آموزش قرآن در کشور اسلامی جز الزامات است. این شیوه آموزش با توجه به سوق دادن افراد به یادگیری فعال، دارای، جذابیت و کارآمدی است، و کمک به بهبود امر آموزش قرآن می‌کند. و می‌توان این شیوه را به دیگر متون و کتب درسی نیز تعمیم داد، تا دانش آموزان از این روش به تفکر خلاق دست پیدا کنند. در این روش تفکر متعارف افراد را باور و ضابطه‌مند کرده و توانایی فراسناختی ایجاد می‌کند، به نوعی افراد به سوی یادگیری فعال سوق می‌دهد. ضمناً از آسیب و ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند.

متأسفانه، امروزه، به‌رغم تحولات فرهنگی و تغییر در شیوهٔ زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل، توانایی‌های لازم و اساسی را ندارند. نداشتن مهارت‌های لازم برای حل مسئله آنان را در مواجهه با مشکلات روزمره و مقتضیات آن آسیب‌پذیرتر کرده است. جایگاه و ضرورت آموزش مهارت‌های فکری برای مواجه شدن با مسائل دنیای امروز و جایگزین کردن روشها و نگرشهای علمی پژوهش‌محور، به جای انتقال و ذخیره‌سازی حقایق علمی، مورد بحث قرار گرفته است. مسائل و معضلات نسل جوان بیشتر در زمینهٔ آسیب‌های ناشی از ضعف تفکر، زودباوری، پیروی از تبلیغات، ضعف تحلیل و قضاوت نادرست دربارهٔ نظرات و آرا دیگران است.

فرضیه های پژوهش

مدل آموزشی تفکر انتقادی تدبیری، توانایی تلاشمندی را در افراد ایجاد می‌کند.

مدل آموزشی تفکر انتقادی تدبیری با افزایش خودکارآمدی در فرد نهادینه می‌شود.

تاریخچه خودکارآمدی

منشأ پیدایش خودکارآمدی پژوهش و نظریه شناختی-اجتماعی بندوار است. مطابق دیدگاه شناختی-اجتماعی، انسان‌ها موجوداتی فعال در نظر گرفته می‌شوند که قادر به خودنظم‌دهی و تنظیم رفتار خود هستند. نه موجودات منفعلی که نیروی‌های ناشناخته محیطی یا تکانه‌های درونی آنها را کنترل کنند. آنها به طور فعال در تحول خویششان شرکت می‌کنند و می‌توانند با رفتارشان وقایع و رویدادها را کنترل کنند و به باور بندوار، خودکارآمدی باعث ترغیب انگیزش و منابع شناختی فرد می‌شود و عاملی برای اعمال کنترل بر رویدادی معین است. باور خودکارآمدی پایه‌ای برای انگیزش، بهزیستی و دستاوردهای فردی در همه حیطه‌های زندگی است. (Bandura, 1991).

تاریخچه تفکر انتقادی

لغت «انتقادی» برگرفته از واژه‌ی یونانی «kriticos» به معنای قضاوت ظریف و باریک بینانه و به معنای استاندارد می‌باشد. این واژه از لحاظ ریشه شناختی دارای معنای ضمنی «قضاوت کردن تشخیص بر اساس استانداردها» می‌باشد. در لغت‌نامه نیز واژه انتقادی «critical» به این صورت تعریف شده است «قضاوت و تجزیه و تحلیل دقیق» و در توضیح آمده است واژه انتقادی در مفهوم خاص آن به معنای تلاش در رسیدن بر ارزیابی به معنی و به منظور یقین از مزایا و معایب است. بنیان فکری تفکر انتقادی به قدمت ریشه لغوی آن است و به آموزش‌ها و دیدگاه‌های سقراط در ۴۵۰ سال پیش بازمی‌گردد. فریره فیلسوف پرورش انتقادی است او تفکر انتقادی را هدف آموزش و پرورش تلقی می‌کند و به جای واژهٔ تفکر از تعمیم استفاده کرده و از آموزش و پرورش متداول انتقاد نموده و می‌گوید: «آموزش و پرورش تبدیل به نوعی عمل ذخیره‌سازی شده است که در آن دانش آموز ذخیره کننده و معلم ذخیره سپاس است و به جای برقراری ارتباط دو جانبه، معلم اعلامیه‌هایی ارائه می‌کند که دانش آموز صبورانه آنها را دریافت، حفظ و تکرار می‌کند. این مفهوم بانک داری در تعلیم و تربیت است که دامنهٔ عمل برای دانش آموز تنها محدود به دریافت، پر کردن و ذخیره سازی اطلاعات می‌باشد» او به عنوان یک راه دیگر برای، برنامه‌ریزی درسی، رویکرد آزاد منشانه را پیشنهاد می‌کند. تأکید این رویکرد به طور خلاصه بر تفکر نفاذانه بر اساس واقعیت‌های عینی در زندگی فرد است.

نتیجه گیری

هدف از این تحقیق تعیین تأثیر نقش تفکر تدبیری، انتقادی بر خودکارآمدی افراد بود. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش تفکر تدبیری-انتقادی (بر خودکارآمدی) افراد گروه آزمایش رابطه مثبت دارد. درصد خودکارآمدی افراد تحت آموزش نیز با افزایش رووبرو بوده است.

زندگی کردن در جامعه پیچیده امروز نیازمند افرادی است که قادر هستند با تکیه بر تفکر و اندیشه خود بر مسائل پیرامون خویش فائق آیند و در چارچوب و چشم انداز روشنی، اطلاعات لازم را در مورد زندگی خویش جمع‌آوری و ترکیب کنند و با یک داوری خوب، آنها را ارزیابی نمایند و از کارهای ناممکن بپرهیزند. در حقیقت، افراد برای مواجهه با مسائل زندگی و اتخاذ تصمیم‌های اساسی نیازمند مهارت‌ها و صلاحیت‌های تفکر انتقادی، تدبیری هستند، با توجه به نظریه‌پردازی‌های مختلف می‌توان این چنین گفت که لزوم آموزش تفکر بر همه مبرهن است تفکر می‌باید به فرد تمرکز، دقت، جسارت، نگاه تیزبینانه، آنالیز کردن اطلاعات، جستجوگری، اعتماد و منطق را هدیه کند و در آن اطلاعات و آموزش از سطح تئوری به سطح عملی در سراسر زندگی فرد جاری می‌گردد. این همان اکسیر جادویی است که در قرن لازم زندگی افراد می‌باشد.

بر اساس فرضیه‌های پژوهش و همچنین یافته‌ها می‌توان نتیجه‌گیری نمود که: فرضیهٔ مدل آموزشی تفکر تدبیری-انتقادی با افزایش خودکارآمدی در فرزندانیته می‌شود. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که مقدار اثر اصلی (گروه‌ها-۶/۷۷) معنادار است. یعنی پس از خارج کردن تأثیر پیش‌آزمون، اختلاف معناداری بین میانگین نمرات دوگروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون خودکارآمدی وجود دارد. بنابراین فرضیه صفر معنادار نبودن اختلاف میانگین خودکارآمدی افراد قبل و بعد از برگزاری جلسات آموزش تفکر تدبیری-انتقادی پس از حذف اثر احتمالی پیش‌آزمون رد شده و فرضیه محقق تأیید می‌گردد. که هم‌راستا با پژوهش‌های مهنروش عباسیان فرد (۱۳۸۹) جلال مرادیان (۱۳۹۲) اعظم مرادی (۱۳۸۷) ارضا اثرزاده (۱۳۹۰) می‌باشد. (ننداف، ۱۳۸۷ و صفار نیا، ۱۳۷۱) خودکارآمدی یکی از عناصر خودپنداره و مشتمل بر باورها و انتظاراتی است که به طور مؤثر با وظایف فردی مرتبط است. خودکارآمدی به طور نیرومندی در ظرفیت انجام دادن کار، تلاش در جهت فعالیت و انجام رساندن کارها، پایداری در برابر مشکلات و داشتن یک دیدگاه خوشبینانه اثر دارد، این در حالی است که فردی که با سطح پایینی از خودکارآمدی اطمینان کمی به ظرفیت خود برای انجام دادن تکالیف دشوار، آرزو، تعهدکاری سطح پایین و دیدگاه بدبینانه‌ای دارد. به طور کلی خودکارآمدی نقش مهمی در اثرزوی بخشیدن به افراد برای وضع اهداف بالا، اثرگذاری بر میزان تلاشند و کمک به افراد برای برای شناسایی مطمئن راهبردهای مؤثر در حل مشکلات دارد. به نظر می‌رسد افرادی که سطح خودکارآمدی پایین دارند، هنگام مواجهه با چالش‌ها از کوشش‌های خود می‌کاهد و زود به راه‌حل‌های دست‌پایین تن می‌دهند در حالی که افراد با خودکارآمدی با سطح بالا، محیط‌ها و فعالیت‌های چالش‌انگیز را برمی‌گزینند. که حس کنند برای انجام شان توانایی دارند و همین امر باعث عملکرد بهتر می‌شود. افراد دارای خودکارآمدی بالا در مقایسه با افراد دارای خودکارآمدی پایین به مقابله بهتر با موانع موجود در موقعیت اضطراب‌آور قادر هستند. که بر اساس یافته پژوهش حاضر بین این سبک آموزش تفکر و خودکارآمدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که با اصول و مبنای پژوهش جلال مرادیان و همکاران (۱۳۹۳) عیسی شمی و همکاران (۱۳۸۷) هماهنگ است.

منابع

- بندورا، آ. (۱۹۷۷). نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه ف، ماهر. تهران: انتشارات راهگشا
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۱) تفکر برتر. تهران: انتشارات سروش
- صفاریان، مجید. زارع، حسین حسینی، لقمان. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر منابع کنترل و کاهش بر انگیزش و انگیزش دانش آموزان سال دوم دبیرستان با نه فصلنامه شناختی (۱) ۶۶-۷۵
- کومبوز، فیلیپ. (۱۳۷۳). بحران جهانی تعلیم و تربیت. ترجمهٔ فریده آل آقا، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- کوهی، علی رضا. (۱۳۹۱). «تبیین نظرامام خمینی (ره) در مورد تدبیر در قرآن». قم. فصل نامه تفسیر علوم قرآن و حدیث حسنا ۴(۱۵) ۱۵۰-۱۷۵
- مرادیان، جلال. (۱۳۹۳). «رابطه علی بین سبک فرزند پروری و عملکرد تحصیلی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اصفهان
- ننداف، راضیه (۱۳۸۷) « ضرورت ترویج تفکر انتقادی در جامعه امروز »
- Bandura, A. (1999). A social cognitive theory of personality. In L. Perrin & O.P. John, (Eds) Handbook of PERSONALITY. (2 anpp154-169) New York: Guilford publications
- Dewey, J. (1933). How We Think. Boston: Forgotten Books. Deyoung, C., Peterson
- Ennis, R. H. (1987). A taxonomy of critical thinking dispositions and abilities. New York: Freeman.
- Kuhn, D. (1993). "Science as argument: saddle River, nj: prentice Hall.

faribanasiri62@yahoo.com